

تحلیل روند سیادت سادات از زمان پیامبر (ص) تا قرن اخیر در ثبت احوال ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۴

کد مقاله: ۲۳۸۹۲

رامین حاجی امیری^۱

چکیده

یکی از پیامدهای اجتماعی ظهور اسلام، شکل‌گیری طبقه‌ای به نام سادات^۱ در جامعه اسلامی بود. با گسترش اسلام در سرزمین‌های دیگر، سادات از شرق تا غرب عالم اسلامی پراکنده شدند و به عنوان گروهی محترم و متنفذ مورد توجه قرار گرفتند. سیادت یک نوع شرافت معنوی است و به معنی بزرگی و عظمت است. سیادت به خاطر عظمت پیامبر اسلام (ص) در دودمان آن حضرت وجود دارد و اجداد او تا جد اعلای ایشان (هاشم) را شامل می‌شود. سیادت سادات با روش تحلیل علمی و بر اساس اسناد تاریخی و باستان‌شناختی امری مسلم است. در کشور ایران نیز از زمان تأسیس سازمان ثبت احوال کشور با وضع قوانین مختلف بر ترویج و حفظ و حراست از سیادات سادات که از لحاظ جغرافیایی در کشور ایران در استان‌های شمالی مانند: آذربایجان غربی و شرقی، مازندران، اردبیل، زنجان، کهگیلویه و بویراحمد و گیلان اکثریت آنها متمرکز می‌باشند این امر صورت پذیرفت. در اجرای تبصره ۵ ماده ۲۰ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ ذکر کلمه سیادت در اسناد سجلی ساداتی که سیادت آنان در اسناد سجلی پدر و یا جدپدری مندرج باشد و یا سیادت آنان با دلایل شرعی ثابت گردد الزامی گردید، البته با گذشت زمان تغییراتی ناچیز در این رابطه با اجرای قوانین و بخشنامه‌های جدید صورت پذیرفت که در متن مقاله به آنها اشاره خواهد شد. در رابطه با روش تحقیق و جمع‌آوری مطالب در رابطه با موضوع، پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی بر مبنای مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای با استفاده از کتب، مقالات، مراجعه به سایت‌های مرتبط با موضوع تحقیق، مطالعه بخشنامه‌ها و آئین‌نامه‌های سازمان ثبت احوال کشور، مشاوره با صاحب‌نظران از جمله: ائمه جمعه و مراجع دینی و مدرسین حوزه علمیه و با تعمق و اندیشه راجع به آنها به تحلیل پژوهش پرداخته شد.

واژگان کلیدی: اسلام، سیادت، سادات، ثبت احوال، ایران

۱- دانشجوی ترم آخر دکتری جغرافیای برنامه ریزی شهری، کارمند اداره ثبت احوال آستارا، مدرس دانشگاه محقق اردبیلی،

در میان مسلمانان خصوصاً شیعیان، سادات از حرمت و احترام ویژه‌ای برخوردارند. برای عده‌ای ممکن است این سوال پیش بیاید که لقب سید از کجا آمده و چگونه می‌توان سید بودن خاندانی را ثابت کرد. واژه «سید» در لغت به معنای سرور، مهتر، بزرگ، آقا، پیامبر اسلام (ص) و آن که از اولاد حضرت رسول باشد (به واسطه حضرت فاطمه) است. سید به معنای آقا و اطاعت شده (مطاع)، رئیس و بزرگ نیز آمده است. سیادت عنوانی است اعتباری، نه تکوینی (توضیح المسائل مراجع، ۱۹۵۵: جلد ۲) که بر مردان و زنانی که نسبشان به هاشم بن عبد مناف (جدّ دوم رسول خدا) می‌رسد اطلاق می‌شود؛ بنابراین هر کس که سلسله نسب او به هاشم بن عبد مناف یا فرزندان او برسد، سید محسوب می‌شود (تقفی تهرانی، ۱۳۶۱: ۵۲).

سازمان ثبت احوال کشور با قدمت ۹۶ ساله در تاریخ ۱۲۹۷/۷/۱ طی نامه شماره ۱۱۶۷ هیأت محترم وزیران تصویب گردید و نخستین اداره ثبت احوال در تهران تأسیس شد و به تدریج در شهرهای بزرگ کشور توسعه یافت. نخستین رئیس ثبت احوال ایران مرحوم میرزا موسی خان محیط در سال ۱۲۹۷ توسط وزیر داخله منصوب و تا سال ۱۳۰۲ امر استقرار و توسعه ثبت احوال در بیش از ۵۰ شهر بزرگ کشور انجام پذیرفت و تا کنون طی بیش از ۹۶ سال گذشته افراد بیشماری به تناوب مسئولیت این سازمان را عهده‌دار بوده‌اند. نیروی انسانی فعال این سازمان و زحماتشان ثبت احوال نخستین شناسنامه را در تهران برای خانم فاطمه ایرانی صادره سرچشمه تهران و برای ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز در نمایندگیهای ایران از اسفند سال ۱۳۰۸ ثبت ولادت و صدور شناسنامه آغاز شد، اولین سند سجلی در کنسولی بمبئی بنام آقای عبدالحسین سپینتا (کارگردان فیلم دختر لر) توسط مأموران کنسولی وزرات امور خارجه تنظیم و شناسنامه صادر و تحویل گردید و در پی آن در عراق (نجف، کربلا، بصره، بغداد) و جمهوری‌های شوروی سابق (تفلیس، بادکوبه، ایروان، عشق آباد) ادامه یافت. راهاندازی ثبت احوال در ایران همزمان با ترکیه و در مقایسه با کشورهای اروپایی نظیر فرانسه با قریب ۵۰ سال تأخیر توأم بوده است (حاجی امیری، ۱۳۹۳: ۴).

برخی از اینان به عموهای پیامبر مثل ابوطالب، عباس و حمزه می‌رسند. فرزندان عباس عموی پیامبر که اصطلاحاً به آنان بنی عباس می‌گویند، سید محسوب می‌شوند. همچنین فرزندان ابوطالب به نام‌های طالب و عقیل و جعفر طیار و علی (ع) و نسل آنان، سیدند. پیامبر اسلام از طریق پسری نسلی ندارد، چون که پسرانش (طیب و طاهر و قاسم و ابراهیم) چون در کودکی از دنیا رفتند. نسل آن حضرت فقط از طریق دخترش حضرت فاطمه زهرا (س) ادامه پیدا کرد. فرزندان حضرت زهرا به نام‌های حسن و حسین و زینب و ام‌کلثوم از طریق پدرشان امام علی نیز سید بودند. تمامی ائمه معصومین و فرزندانشان از طریق علی (ع) به هاشم و از طریق حضرت فاطمه به پیامبر می‌رسند و سید هستند. اگر چه سیادت به جهت نور وجودی پیامبر تجلی یافته است، اما این در انحصار فرزندان پیامبر (ص) قرار ندارد. بلکه از جهت انتساب به طالب و علی و عقیل و جعفر (فرزندان ابوطالب) و انتساب به عباس و حمزه (عموهای پیامبر نیز سیادت حاصل شده و حضرت علی (ع) سید بوده است و فرزندان او نیز سید هستند. چون نسل پیامبر پیش‌تر مورد توجه مسلمانان است و نسل حضرت از دخترش فاطمه (س) و علی (ع) می‌باشند، این‌ها بیش‌تر مورد توجه و احترام هستند. لذا آنان از بین بقیه سادات معروف‌تر و مشخص‌ترند (آیه الله العلامه الفقیه السید کاظم الحائری، ۴۱۸: هـ: ۴۸). سید نامی است که در ایران به ذریه پیامبر - صلی الله علیه و آله - اطلاق می‌شود و در ترکیه و قلمرو پیشین عثمانی به آنان میر می‌گفتند و در عربستان لقب شریف بیشتر گفته می‌شد البته سید بیشتر از دو لقب میر و شریف استعمال می‌شد به ویژه اینکه علاوه از ایران در عراق و شبه قاره نیز معمول است. هم اکنون این گونه معمول است که کسانی که سید نامیده می‌شوند نسبشان به پیامبر می‌رسد و در این مورد اکثر سادات شجره نامه دارند در رساله‌های عملیه نیز طرقی برای احراز سیادت اشخاص بیان شده است از جمله شجره نامه و اشتها به سیادت در محلی اینکه بگویند پدر و جدّ این شخص سید بوده‌اند در زمانهای گذشته بیشتر از این عصر در مورد نسب سادات سخت‌گیری می‌شد (ابن حجر، ابناء العمر: ۳۹). حضرت شیخ العارفین سید صفی الدین اردبیلی مهم‌ترین عارف مجاهد در ایران و جهان اسلام است که نقش اجتماعی ماندگاری ایجاد کرد. شیخ صفی الدین در سال ۶۵۰ هـ. ق. تقریباً بیست و نه سال یا کمی بیشتر پس از ویران شدن شهر اردبیل توسط مغول‌ها متولد شد و بعدها با عنوان شیخ العارفین سید صفی الدین اردبیلی مورد احترام همگان قرار گرفت. این عارف مجاهد و تمدن ساز جهان اسلام که نسبش به حضرت حمزه بن امام موسی کاظم (ع) و سلسله مشایخی او به حضرت سلطان امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌رسد بنیان گذار ایران پس از اسلام است (آیه الله العظمی الشیخ عباس القمی، جلد ۲).

۲- بیان مسئله

عظمت و قداست شخصیت پیامبر اسلام (ص) همراه با سفارش‌هایی که در قرآن و حدیث درباره «اقربین» و «اهل بیت» آن حضرت شده بود، موجب شد تا مسلمانان از همان اول، ارزش و جایگاه ویژه‌ای برای منتسبان ایشان قائل شوند. در این بزرگداشت، تقریباً همه مسلمانان متفق بودند و حتی فرقه‌گرایی‌های بعدی تأثیر چندانی بر آن نگذاشت. این گروه که در ابتدا به نام‌هایی از قبیل "آل"، "اهل"، "ذریه"، "عترت" و «اقربا» خوانده می‌شدند، بعدها به نام «سادات» که در عین حال حکایت از سیادت و

سروری آنان در نظر مسلمانان داشت، نامیده شدند. ایرانیان نیز، پس از گرویدن به اسلام، توجه خاصی به اولاد و احفاد پیامبر (ص) می‌کردند. نشانه‌هایی از این توجه را می‌توان در حضور تعداد قابل توجهی از اولاد و نوادگان امامان شیعه در ایران، وقوع قیام‌های متعدد شیعی، و سرانجام تأسیس دولت‌های شیعی (از قبیل علویان طبرستان، آل بویه و صفویان) دید. ایجاد خلافت عباسی هم که با شعار حمایت از اهل بیت بر سر کار آمد، نشان دیگری از ارادت گسترده و خالصانه ایرانیان به خاندان پیامبر (ص) بود. گذشته از جنبه‌های سیاسی، ارج نهادن به سادات به تدریج به عنوان یک ارزش اجتماعی، جزئی از فرهنگ ایرانی شد. از این رو است که در آثار بسیاری از عالمان، شعرا، مورخان و سیاست‌نامه‌نویسان و نصیحت‌نامه‌پردازان، اشارات متعددی در ارج‌گزاری به مقام آن‌ها به چشم می‌خورد.

با حمله مغول، ترکیب جمعیتی و ساخت و قشربندی اجتماعی جامعه ایرانی دچار تحولات محسوسی شد. از میزان جمعیت به نحو چشمگیری کاسته شد، پاره‌ای گروه‌های اجتماعی از هم پاشید و بعضی قشرهای تازه، تحت تاثیر زندگی اجتماعی مهاجمان به وجود آمده یا فعال تر شدند. در این میان، سادات توانستند هویت و شکل تاریخی خود را حفظ کنند. در توجیه علل مصون ماندن نسبی سادات در جریان هجوم مغول، توجه به دو عامل ضروری است: نخست آن که مغولان قصد در افتادن با معتقدات مردم مغلوب را، که اکرام و بزرگداشت سادات هم جزئی از آن بود، نداشتند و حتی بنا به خصصت‌های فکری و مصالح سیاسی به این معتقدات به دیده احترام می‌نگریستند. دیگر آن که توجه ایرانیان به سادات به عنوان نسل پیامبر (ص) و خاندان او با اندیشه‌های مغولان درباره پاس داشت نسل و قداست خاندان‌های بزرگ همخوانی داشت.

۳- روش تحقیق

هر محقق روش پژوهش خود را با توجه به ماهیت تحقیق و هدف یا اهدافی که در نظر دارد انتخاب می‌کند. با توجه به توضیحات ذکر شده و موضوع مقاله حاضر روش پژوهش توصیفی و تحلیلی بر مبنای مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای با استفاده از کتب، مقالات، نشریات، مجلات معتبر و مراجعه به سایت‌های مرتبط با موضوع و با کمک از بخشنامه‌ها و آئین‌نامه‌های سازمان ثبت احوال، تحقیق مشاوره با صاحب‌نظرانی چون ائمه جمعه و معتمدین دینی مساجد و مدرسین حوزه و دانشگاه و با تعمق و اندیشه راجع به آنها به تحلیل موضوع مقاله پرداخته شد (حاجی امیری، ۱۳۹۲: ۲).

۴- بحث و بررسی

۴-۱- سادات دو شاخه اصلی دارند

شاخه اول: نوادگان علی از طریق سه تن از پسران او-محمد حنفیه از خوله دختر قیس، عباس بن علی از ام‌البینین و عمر بن علی از صهباء ثعلبیه- که از میان پسران متعدد علی فرزند یافتند. به این سادات علوی می‌گویند. شاخه دوم: نوادگان حسن و حسین- فرزندان علی از فاطمه- که به آنان سادات هاشمی و نیز بسته به انتساب به حسن یا حسین، حسنی یا حسینی گفته می‌شود.

۴-۲- نسب سادات حسینی

غیر از امام سجاد(ع) در جریان کربلا از فرزندان سید الشهداء کسی زنده نماند. در نتیجه سادات حسینی از نسل امام سجاد(ع) محسوب می‌شوند؛ بنابراین فرزندان امامان بعدی همه از سادات حسینی هستند چه فرزندان امام باقر(ع) و چه فرزندان دیگر ائمه علیهم السلام. کوتاه سخن این که سیادت یک نوع شرافت معنوی است و به معنی بزرگی و عظمت است. سیادت به خاطر عظمت پیامبر اسلام(ص) در دودمان آن حضرت وجود دارد و اجداد او تا جد اعلای ایشان (هاشم) را شامل می‌شود.

۴-۳- مفهوم شناسی سید

بنابر آنچه عالمان دین که کلامشان تبیین احادیث است، فرموده‌اند، سادات بر فرزندان هاشم جدّ دوم پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاق می‌گردد. سید در لغت به معنای «آقا»، «بزرگوار»، «رئیس» بوده و در اصطلاح، از القابی است که در عرف فارسی زبانان و شیعه، کسانی که نسبشان به واسطه فاطمه زهرا سیده النساء (علیها السلام) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) منتهی می‌شود و بر سائر علویین نیز که به واسطه حضرت عباس یا جناب محمد حنفیه نسبشان به امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌رسد احتراماً گفته می‌شود، بلکه بر سایر هاشمیین مانند کسانی که نسبشان به جناب جعفر طیار و عقیل می‌رسد نیز سید می‌گویند و این یک نوع احترام از منتسبین به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و از خاندان بنی هاشم است چنانچه شیعه و اهل سنت، سادات خصوص علویین بالأخص فاطمیین را شرفاء می‌گویند و به کسی که از اولاد حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) باشد شریف

حسنى و به كسى كه از اولاد حضرت امام حسين (عليه السلام) باشد شريف حسيني گفته مى‌شود و فرزند سيده علويه نيز اگر چه در عرف، سيد و شريف، ناميده نمى‌شود به واسطه مادرش به اين دودمان شريف و حضرت رسول (صلى الله عليه و آله و سلم) انتساب دارد (قرشى، ۱۳۷۱: ۳۵۰).

۴-۴- ذکر سيادت شيخ صفى الدين در صفوة الصفا

ابن بزاز در صفوه الصفا يکى از كهن‌ترين منابع درباره شيخ صفى الدين، تاليف قرن هشتم و ما قبل حكومت صفويه، در ذكر نسب شيخ قدس سرهمى نويسد: "شيخ صفى الدين اسحاق ابن الشيخ امين الدين جبرئيل ابن الصالح ابنقطب الدين ابوبکر (غلامرضا طباطبايى مجد، ۱۳۷۶: ۷۵) ابن صلاح الدين رشيد ابن محمد الحافظ لكلام الله ابن عواض ابن پيروز (زرين كوب، ۱۳۶۲: ۲۶) الكردى السنجانى، رحمه الله عليهم پيروز شاه زرین کلاه ابن محمد شرفشاه ابن محمد ابن حسن ابن محمد ابن ابراهيم ابن جعفر ابن محمد اسماعيل ابن محمد ابن احمد اعرابى ابن ابومحمد القاسم ابن ابوالقاسم حمزة ابن الامام الهمام موسى الكاظم ابن امام جعفر الصادق ابن امام محمد الباقر ابن امام زين العابدين على ابن امام سيدالشهدا ابى عبدالله الحسين ابن اميرالمؤمنين و امام المتقين على ابن ابى طالب صلوات الله عليهم اجمعين.

۴-۵- نسخه خطى سند سيادت شيخ در كتابخانه ملي بريتانيا

يک سند بسيار موقر در مورد سيادت صفويان نمودارهاى شجره‌اى سيادت آنهاست که چند دهه قبل از تشكيل حکومت صفوى در نجف اشرف بين خانواده‌هاى سادات و ديگر طبقات مردم وجود داشته و مورد پذيرش بوده است. طبق يکى از اين نمودارها شجره صفويه تحت عنوان "ذكر نسب مشايخ اردويل" به امام موسى کاظم (ع) مى‌رسد که توسط شخصى شيعه مذهب به نام على بن قاسم بن حمزه بن على بن محسن حسين موسوى نجفى_ که هيچ نزديكى و خويشاوندى با صفويان نداشته_ در يک نسخه خطى نگاشته شده است.

۴-۶- اسناد تاريخى قبل از حكومت صفويه

بر اساس اسناد تاريخى موجود پادشاهانى چون شيروان شاه و يعقوب آق قويونلو سال‌ها قبل از تشكيل حکومت صفوى و احتمال ادعايى دست‌كارى در متون تاريخى، اصل سيادت فرزندان شيخ صفى الدين را پذيرفته بودند. سلاطيني از قبيل بايزيد عثمانى، شاه سليمان عثمانى و عبيدالله خان ازبک نيز با وجود جنگ‌هاى متعدد با آنها به سيادت پادشاهان صفوى و پدرانشان اعتقاد داشتند. با وجود اين اسناد معتبر تاريخى، كسروى پس از گذشت پنج قرن مغرضانه اين سيادت را رد کرد و برخى از نويسندگان نيز بدون بررسى تحت تأثير او ادعاهاى نادرست او را پذيرفتند (طريحي، ۱۳۷۵: ۷۱). منبع اين افراد كسروى بود و منبع موثق ديگرى نداشتند. در منابع كهن چنين ادعايى وجود ندارد، بلكه در آن منابع نيز بر سيادت شيخ تأكيد شده است. در دوره معاصر دكتور عبدالحسين زرین کوب مهم‌ترين مورخ معاصر تاريخ طرايق بر سيادت شيخ صفى الدين تأكيد داشت و در كتاب "دنباله جست و جو در تصوف ايران" در فصل اول ضمن تأكيد بر سيادت شيخ صفى الدين، آن را امرى يقينى مى‌داند (حيدرى و بيدهدنى، ۱۳۹۰: ۴۱) بر خلاف ادعاى دكتور صمد موحد در نسخه كتابخانه ايا صوفيه در تركيه نيز مطلبى خلاف سيادت شيخ صفى الدين وجود ندارد. در مورد اين مسئله كه شيخ صفى الدين تمايل چندانى به طرح سيادت خويش نداشته يک تحليل وجود دارد و در كتاب صفوة الصفا، شيخ قدس سره مى‌فرمايد: "ما سيد هستيم اما از اين سيادت براى تبليغ خود استفاده نمى‌كند و از باب تواضع مى‌فرمايد: "با کدام كار شايسته مى‌توان خود را به اين دودمان نامى نسبت داد؟ (صفوى، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

۴-۷- سنگ سيادت در اردبيل

طبق گزارش منتشر شده در سايت سازمان اسناد و كتابخانه ملي ايران، "همزمان با برگزاري همایش بين المللى شيخ صفى الدين اردبيلي در كتابخانه ملي ايران در تهران (۱۶ دى ماه ۱۳۹۲)، قديمى‌ترين سنگ نوشته مرتبط با گرايش مذهبى صفويان و سيادت آنها در دارالارشاد اردبيل كشف و شناسايى شده است (صفوى، ۱۳۹۲: ۸۵). با كشف و شناسايى و بازخوانى متن فرمان سنگى كه از سلطان على با عبارت "حضرت هدايت سماء، ولايت آثار و كرامت پناه، سيدالسادات" نام برده شده، فرضيه گزاف مورخانى چون احمد كسروى و وليدى توغان- كه اعتقاد داشتند در منابع رسمى شيوخ صفوى قبل از شاه اسماعيل از عنوان شيخ يا خواجه استفاده مى‌كردند و هيچ عنوان افتخارآميز ديگرى كه دلالت بر سيادت و نسبت علوى صفويان باشد وجود ندارد- را به طور كلّى باطل مى‌كند (العلامه الباحث الشيخ باقر شريف القرشى، ۱۹۷۰: ۴۱۹).

۴-۸- سيادت شيخ در سند وقف نامه امير تيمور

دکتر علی اکبر صفی پور معاون سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران می‌نویسد: وقف نامه تیمور لنگ بر خاندان شیخ صفی‌الدین به همراه نسب نامه‌ای که قبل از روی کار آمدن صفویان بر سیادت این خاندان تأکید می‌نماید در طوماری حدود شش متر و عرض ۳۷ سانتیمتر تنظیم گشته است و دارای تاریخ ۸۰۶ هـ.ق. است.

۴-۹- فرق مقام شیخ با سیادت

سیادت شیخ با روش تحلیل علمی و بر اساس اسناد تاریخی و باستان شناسی امری مسلم است که مخالفت با آن از اوایل قرن بیستم توسط احمد کسروی و برخی از مستشرقین با انگیزه سیاسی و ایدئولوژیکی آغاز شد. هم اکنون نیز وهابیان با نیت مذهبی- سیاسی با تشیع، صفویه و سیادت شیخ شدیداً مخالفت می‌کنند؛ اما در عرف عموم ایران و جهان اسلام و همچنین نزد همه علماء و متخصصین رجال در تاریخ فرهنگ اسلام در حوزه‌های علمیه، سیادت شیخ العارفین سید صفی‌الدین امری مسلم و قطعی است. لقب «شیخ» اشاره به مقام معنوی ایشان در عرفان و تصوف اسلامی دارد.

۴-۱۰- تفاوت میر با سید

سید در لغت به معنی آقا و بزرگ است و در اصطلاح به کسانی که از طرف پدر به هاشم جد رسول خدا (ص) انتساب دارند گفته می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۵۰). میر مخفف امیر و به معنای بزرگ است، معمولاً به سادات، میر هم اطلاق می‌شود و در اول اسامی و یا نام خانوادگی می‌آید. دو فرق می‌توان بیان کرد: در عرف مردم و مشهور این است که به منتسبین رسول الله (ص) سید می‌گویند گرچه سید و میر به سلاله حضرت رسول (ص) اطلاق می‌گردد. در زمان فعلی در ثبت احوال به پیشوند اسامی منتسبین به رسول الله (ص) فقط کلمه سید را اضافه می‌کنند نه میر را.

۴-۱۱- جایگاه معنوی سادات در فرهنگ اسلامی

سیادت عنوانی است برای مردان و زنانی که در نسب خویش به حضرت هاشم بن عبد مناف (جد رسول الله) می‌رسند. هر کس نسب او به هاشم بن عبد مناف یا فرزندان او برسد، سید محسوب می‌شود (عروه الوثقی، ج ۲). به فرزندان هاشم، بنی هاشم می‌گویند. برخی از اینان به عموهای پیامبر مثل ابوطالب و ابولهب، عباس و حمزه می‌رسند؛ بنابراین فرزندان عباس عموی پیامبر که به آنان بنی عباس می‌گویند، سید محسوب می‌شوند. فرزندان ابوطالب به نام‌های طالب و عقیل و جعفر طیار و علی (ع) و نسل آنان (تا کنون هر چه هستند) سیدند. پیامبر اسلام از جهت پسرانش (طیب و طاهر و قاسم و ابراهیم) چون در کودکی از دنیا رفتند، نسلی ندارد. فقط از طریق حضرت فاطمه زهرا (س) نسلش ادامه پیدا کرد. تمامی ائمه معصومین و فرزندانشان از طریق علی (ع) به هاشم می‌رسند و سید هستند. انتساب برخی از سادات به پیامبر، شرافت چند برابری برای آنان است که از طریق دختر ایشان حضرت فاطمه (س) حاصل شده است. اینکه سادات فعلی ذریه پیامبر نامیده شدند، از این جهت می‌باشد (السید الامیر ابوالفتح الجرجانی، ۹۷۶ هـ: ۸۸).

۴-۱۲- سیادت از طریق مادر (زنان)

افرادی که مادرشان سیده است، ایشان هم از جهت ذریه منتسب به جناب هاشم-جد پیامبر (ص)- هستند، و تنها مورد اختلاف در برخی از احکام مترتب بر آن است. ولی باید توجه داشت که بین عنوان فرزند رسول خدا بودن و عنوان سید فرق است، هر کس که نسبتش به فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌رسد، از نسل پیامبر اسلام (ص) است، ولی در عنوان سید برای ایشان بین علما اختلاف است (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۳۹). تردیدی وجود ندارد که تمامی فرزندان حضرت فاطمه زهرا (س)، فرزندان پیامبر اسلام (ص) هستند، ولی باید توجه داشت که بین عنوان فرزند رسول خدا بودن و عنوان سید و هاشمی بودن فرق است، هر کس که نسبتش به فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌رسد، از نسل پیامبر اسلام (ص) است ولی جزو سادات نیست؛ زیرا سید و هاشمی بودن عنوانی است که بر کسی که فقط از طریق پدر به هاشم منتسب باشد، صدق می‌کند (آیه الله العظمی الشیخ عباس القمی جلد ۲)؛ و البته احکام و آثار فقهی مختص به فرزندان است که از طرف پدر به هاشم انتساب داشته باشند. امام حسن (ع) و امام حسین (ع) همانگونه که به پیامبر از طریق حضرت فاطمه منتسب هستند همچنین از طریق پدر یعنی حضرت علی (ع) به هاشم منتسب هستند (آیه الله العظمی السید محسن الامین العاملی، جلد ۲).

زنی که از نسل پیامبر (ص) است، همه فرزندان او از نسل پیامبر (ص) هستند گرچه شوهرش سید نباشد، اما احکام و آثار فقهی که برای سیادت بیان شده است مختص به کسانی است که از طرف پدر انتساب داشته باشند. حضرت امام خمینی ره در پاسخ به سؤالی در این زمینه فرموده اند: «گرچه منتسبین به پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» از طرف مادر هم از اولاد رسول اکرم «صلی

الله علیه و آله» محسوب می‌شوند، ولی ملاک ترتیب آثار و احکام شرعی سیادت، انتساب از طرف پدر است (توضیح المسائل المحشی للإمام الخمینی، ۱۳۷۸: ۸۹).

گفتنی است که امام حسن (ع) و امام حسین (ع) همانگونه که به پیامبر از طریق حضرت فاطمه منتسب هستند همچنین از طریق پدر یعنی حضرت علی (ع) به هاشم منتسب هستند (غیاث الدین بن همام الدین الحسینی المشتهر، ۱۳۵۳: ۴۰۹).

۴-۱۳- ازدواج سید با غیر سید

برخی در ازدواج سید با غیر سید تردید کرده‌اند، اما باید توجه داشت ازدواج دختران و زنان سیده با مردان شیعی غیر سید و ازدواج مردان سید با دختران و زنان شیعی غیر سید هیچ اشکالی ندارد؛ و هیچ کدام از مراجع تقلید نیز چنین ازدواجی را حرام نکرده‌اند.

۴-۱۴- نحوه شناخت سیادت

افراد به سه صورت از طبقه سادات شناخته می‌شوند: افرادی که کلمه سیادت یا سیده یا السادات و سادات در ابتدای نام و آخر نام در اسناد سجلی آنها قید گردیده باشد. کسانی که کلمه سید در ابتدای نام پدر یا جدپدری آنان درج شده باشد. کسانی که از طریق مراجع قضائی یا تأییدیه مقام معظم رهبری یا مراجع تقلید سیادت آنان احراز گردد.

۴-۱۵- نحوه قید سیادت در اسناد سجلی سازمان ثبت احوال ایران

در هنگام تنظیم سند ثبت کل وقایع برای نوزادان چنانچه در ابتدای نام پدر کلمه سید قید گردیده به استناد تبصره ۵ ماده ۲۰ ذکر سیادت آنها در اسناد سجلی نوزاد الزامی می‌باشد. چنانچه در ابتدای نام پدر کلمه میر درج و محل صدور شناسنامه پدر یکی از استانهای آذربایجان غربی و شرقی، مازندران، اردبیل، زنجان، کهگیلویه و بویراحمد و گیلان باشد در هنگام تنظیم سند برای فرزندان وی ذکر سیادت الزامی است در سایر استانها کلمه میر با ارائه استشهادیه محل و تأیید مراجع تقلید با طرح موضوع در هیات حل اختلاف پس از ذکر سیادت در سند سجلی پدر قید سیادت در اسناد سجلی فرزندان بلامانع است. به استناد بخشنامه شماره ۳۰/۴۲-۷۵/۵/۲۱-۳۰/۴۲ مدیر کل امور حقوقی در هنگام تنظیم سند ثبت کل وقایع جهت فرزندان اناث درج کلمه سیده، سادات، السادات بنا به درخواست اعلام کننده بلامانع می‌باشد. در هنگام تنظیم سند ثبت کل وقایع فرزند خوانده سیادت سرپرست نوزاد قید نمی‌گردد.

۴-۱۶- راههای اثبات سیادت در اسناد سجلی سازمان ثبت احوال ایران

اثبات سیادت به سه طریق امکان پذیر است: ۱- در صورتیکه سیادت در اسناد سجلی پدر یا جدپدری قید شده باشد و رابطه پدر فرزندی محرز باشد. ۲- اثبات سیادت از طریق صدور حکم قطعی مراجع قانونی ۳- ارائه تأییدیه از مقام معظم رهبری و مراجع تقلید

۴-۱۷- نحوه اثبات عدم سیادت و حذف سیادت در اسناد سجلی

چنانچه فردی مدعی است که از طبقه سادات نمی‌باشد و خواهان حذف آثار سیادت از اسناد سجلی خود میباشد با ارائه حکم قطعی مراجع قضایی نسبت به حذف سیادت از اسناد سجلی وی اقدام می‌گردد.

۴-۱۸- روند تکمیل سیادت در هیات‌های حل اختلاف ادارات ثبت احوال کشور

اگر سیادت در سند سجلی فردی قید نگردیده اما در اسناد سجلی پدر یا جدپدری ذکر شده باشد پس از احراز رابطه پدر فرزندی با درخواست صاحب سند (چنانچه کبیر باشد) و پدر یا جدپدری (در صورت صغیر بودن) با طرح موضوع در هیات حل اختلاف امکان پذیر خواهد بود.

اگر سیادت فردی از طریق اسناد سجلی اثبات نشود متقاضی مدعی است که از طبقه سادات می‌باشد با ارائه تأییدیه از مقام معظم رهبری یا مراجع تقلید پس از اخذ مجوز سازمان با طرح موضوع در هیات حل اختلاف اقدام میگردد.

چنانچه آثار سیادت در سند سجلی مشاهده نگردید ولی در سند سجلی محل صدور پدر وی نانویس و آن سند از نمونه اسنادی باشد که برای درج محل صدور شناسنامه والدین در آن پیش‌بینی نشده است و سند سجلی پدر دارای آثار سیادت می‌باشد میتوان به استناد بخشنامه ۲۰۶۹۹/س/۲۱-۷۷/۱۲/۱۲-۲۱ مدیر کل امور حقوقی و سجلی سازمان با طرح موضوع در هیات حل اختلاف نسبت به تکمیل سیادت اقدام نمود.

چنانچه آثار سیادت در سند سجلی مشاهده نگردید و در سند سجلی وی مشخصات پدر نانویس و سند سجلی پدر در ترادف این سند و دارای سیادت می‌باشد با ارسال پرونده به اداره کل و کسب مجوز لازم طرح موضوع در هیات حل اختلاف بلامانع است.

۴-۱۹- بخشنامه سازمان ثبت احوال کشور در رابطه با تبدیل واژه میر به کلمه سید

طبق بخشنامه ۱۳۱۹-۱/۱۱/۵/۷۴ درج سیادت اشخاصی که نام پدر آنان در اسناد سجلی با واژه میر درج و مدعی سیادت می‌باشند بشرط ارائه استشهادهای بی‌امضاء سه نفر از معتمدین و امام جماعت مسجد محل و تأیید مراتب سیادت پدر و جدپدری از طرف امام جمعه شهرستان یا نماینده ولی فقیه در منطقه امکان پذیر خواهد بود. لازم به یادآوری است که این مجوز صرفاً درخصوص اسناد سجلی صادره از استانهای آذربایجان غربی و شرقی و اردبیل (محل صدور شناسنامه پدر و جدپدری) بوده و درج سیادت با طرح موضوع در هیات حل اختلاف خواهد بود (طبق بخشنامه‌های بعدی استانهای مازندران، زنجان، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان به استان‌های فوق اضافه گردید).

نتیجه‌گیری

ایران از جمله سرزمین‌هایی بود که سادات در آن نفوذ و جایگاه قابل توجهی یافتند و روز به روز بر شهرت و اعتبار آنان افزوده شد. با این حال، موقعیت آنها از شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی دوره‌های مختلف تاریخ ایران نیز تأثیر می‌پذیرفت. از مجموع آنچه در این پژوهش ذکر شد معلوم می‌شود نسل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و امیرالمومنین (علیه السلام) کلیه سادات چه از طرف پدر و چه از طرف مادر هستند که همگی ذریه‌ی پیامبر و علی (علیهم السلام) به شمار می‌روند. البته تذکر این مطلب نیز مهم است که نسب خونی گرچه نسل انسان را نشان می‌دهد اما به تنهایی فضیلتی به همراه ندارد بلکه در صورت همراهی این نسب با تقوا و سایر فضایل معنوی و روحانی است که فرد را مقرب درگاه خداوند متعال و خود رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و نیز ائمه معصومین (علیهم السلام) می‌گرداند و احترام به سادات نیز از باب احترام به مقام شامخ و برتر خود معصومین (علیهم السلام) است که «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ».

از آنجا که سادات علوی، در طول قرون نخستین هجری، همیشه از سوی آن خلفاء مورد تعقیب و پیگرد قرار داشتند، لذا به مناطق دور دست مهاجرت می‌کردند. آنها با استقرار در این گونه نواحی، و جلب برخی افراد نو مسلمان ثغور اسلامی، به پی‌ریزی برخی حکومت‌های علوی پرداختند. ماوراءالنهر نیز به لحاظ موقعیت جغرافیایی خاص آن، از آغاز قرن دوم هجری مورد توجه سادات علوی واقع شد. شرایط مناسب منطقه، سبب گردید تا آن منطقه و سرزمینهای مجاورش، به عنوان یکی از مراکز تجمع سادات در آید. حضور سادات در ماوراءالنهر و اشتغال آنها به غزا، به ویژه در ثغور شرقی عالم اسلام، آنها را با ایلات نامسلمان منطقه در تماس قرار داد و زمانی که این ایلات به اسلام گرویدند، این سادات همچنان به عنوان سرکرده آنان باقی مانده و از این طریق، منافع و بافت آن دو در هم تنیده شد. با توجه به پژوهش حاضر و با روندی که از زمان پیامبر (ص) تا قرن اخیر در رابطه با سیادت صورت پذیرفت و با انجام وظیفه معنوی و عرفانی سازمان ثبت احوال کشور با وضع قوانین و بخشنامه‌ها و اجرای دقیق به وظایف اداری و آرمانی و پیشبرد اهداف سازمانی در این زمینه باعث بسط و گسترش این جریان اسلامی و دینی گردیده و خواهد گردید. و در پایان میتوان به نتایج زیر اشاره نمود:

سادات دارای نسب پاک و مطهری میباشند پس میادا آن را وسیله‌ای برای دست آوردن منافع مادی قرار داده، و یا آن را وسیله تجاوزه بر دیگران سازند.

انتساب به پیامبر نمی‌تواند توجیه کننده کمترین تخلف از طرف سادات باشد و از نظر قوانین، چه قوانین دینی چه قوانین مدنی، تفاوتی با دیگران ندارند و نیز اگر در قیامت مستحق عذاب و جهنم باشند، کیفر خواهند دید.

اگر ساداتی شجره نامه نداشته باشند ولی در میان مردم به سیادت معروف باشند، برای سید بودن آنها همین کفایت میکند.

کل سادات موجود در دنیا از دو قاعده مستثنی نیستند: یا سادات حسنی هستند یا سادات حسینی.

تشکر و قدردانی

این نوشته را به ارواح مطهر چهارده معصوم و اولاد و ذریه‌شان و به ارواح مؤمنین غیر ساداتی که با دست و زبان و قلب؛ ارادت خود را به ایشان نشان داده تا روز قیامت و همچنین به همه صاحبان منابع که بنده حقیر از آن بهره‌برداری کرده‌ام هدیه می‌کنم. با علم به اینکه خداوند قادر لایتناهی می‌تواند در کمتر از یک چشم بهم زدن این هدیه کوچک را به همه آنها برساند.

منابع

۱. توضیح المسائل مراجع، جلد ۲، مسئله ۱۹۵۵.
۲. حاجی امیری، رامین (۱۳۹۳)، نقش آموزش منابع انسانی بر ارتقای فرهنگ نام و نامگذاری نوزاد در کشور ایران مطالعه موردی: (استان گیلان)، اولین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم اجتماعی، خرداد ماه ۱۳۹۳، گیلان، رشت.
۳. حاجی امیری، رامین (۱۳۹۲)، اهمیت توسعه آموزش منابع انسانی در جهت تحول سازمان ثبت احوال، دومین همایش مجازی ره آوران آموزش با محوریت آموزش در عصر دیجیتال، شهریور ماه، تهران.
۴. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۶۱). تفسیر روان جاوید، انتشارات برهان، ج ۱، ص ۵۲، چاپ سوم، تهران.
۵. ابن حجر، إبناء الغمر، ج ۱، ص ۳۹.
۶. المحقق المورخ النسابة أیة الله العظمی الشیخ عباس القمی فی عدد من مؤلفاته مثل "الکنی واللقاب، ج ۲ و منتهی الآمال فی تواریخ النبی والأل.
۷. ابن بزاز، صفوة الصفا، تصحیح، غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات زریاب، تهران، ۱۳۷۶.
۸. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۲). ارزش میراث صوفیه، تهران، ص ۲۶.
۹. حیدری و بیدهندی (۱۳۹۰). مجله علمی "تاریخ در آئینه پژوهش"، مقاله: نگاهی به موضوع سیادت شیخ صفی الدین، ص ۴۱.
۱۰. صفوی، سید سلمان (۱۳۹۲). چکیده مقالات نخستین همایش علمی بین المللی شیخ العارفین سید صفی الدین اردبیلی، انتشارات کتابخانه ملی، تهران، ص ۱۱۷.
۱۱. صفوی، سید سلمان، عرفان تقلین (۱۳۹۲). مبانی نظری و عملی عرفان و طریقت صوفیه، لندن، ص ۸۵.
۱۲. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ ششم، ج ۳، ص ۳۵۰.
۱۳. توضیح المسائل (المحشی للإمام الخمینی)، (۱۳۷۸) ج ۲، ص: ۸۹، س ۱۰۰۹.
۱۴. المورخ المعروف غیاث الدین بن همام الدین الحسینی المشتهر بخوانده میرالمولود فی سنه ۸۸۰ فی کتابه "تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر" الجزء الثالث من المجلد الرابع ص ۴۰۹، الطبعة الثانية سنة ۱۳۵۳ هـ. ش، مطبعة کلجن - ایران.
۱۵. المحقق المورخ النسابة أیة الله العظمی الشیخ عباس القمی فی عدد من مؤلفاته مثل "الکنی واللقاب، ج ۲ و منتهی الآمال فی تواریخ النبی والأل.
۱۶. المحقق المورخ النسابة أیة الله العظمی السید محسن الامین العاملی فی عدد من مؤلفاته مثل "اعیان الشیعة؛ و "معادن الجواهر، ج ۲".
۱۷. المحقق العلامة المتکلم الفقیه السید الامیرابوالفتح الجرجانی المتوفی سنه ۹۷۶ هـ صاحب کتاب "تفسیر شاهی او آیات الاحکام، ص ۸۸
۱۸. آیه الله العلامة الفقیه السید کاظم الحائری فی کتابه "صلاة الجمعة تاریخیا وفقهیا"، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، صص ۴۸، ۴۱۸ هـ
۱۹. العلامة الباحث الشیخ باقر شریف القرشی، فی کتابه "حیة الامام موسی بن جعفر" ج ۲، ص ۴۱۹، مطبعة الاداب النجف الاشرف، ۱۹۷۰.
۲۰. طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵). مجمع البحرين، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ج ۳، ص ۷۱.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی، دار الکتب الإسلامیة، ج ۱، ص ۵۳۹، ح ۴، تهران.